

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين و صلى الله على
محمد و آله الطاهرين
قال الصادق عليه السلام نَفْسُ الْمَهْمُومِ
لِظُلْمِنَا تَسْبِيحٌ، وَ هَمُّهُ لَنَا عِبَادَةٌ، الى آخر
امام صادق عليه السلام فرمود: نفس کسی که
به خاطر مظلومیت ما اندوهگین شود
تسبیح است و اندوهش بخاطر ماعبادت است.
از آنجایی که بنده حقیر علاقه به خواندن
روضه و نوحه و ذکر مصائب آل الله داشتم با

همت و کوشش مرحوم پدرم در سال ۱۳۶۰ وارد حوزه عالمیه بلخاب شدم بعد از گذشت چند مدتی که وارد درس و بحث طلبگی شدم، متوجه شدم که حافظه‌ای بنده توانایی ادامه‌ای تحصیل در این رشته را ندارد لذا در این موضوع موفق نشدم و ترک تحصیل نمودم ولی از همین جا باب روضه و مصیبت‌خوانی به رویم باز شد شکرش به جاست که به لطف خدا تا به امروز به ذاکریی اهل بیت ادامه دادم و در تمام فصول سال‌ها

در عزاداریها ادای وظیفه‌ای نوکری نمودم. بعدها به ذهنم رسید که در این رابطه یادداشتی و یا اثری از خودم داشته باشم لذا تصمیم گرفتم کتاب نوحه‌های عاشورایی که شامل ۲۸۰ صفحه از اشعار روضه و نوحه می‌باشد نوشتم و این کتاب در تاریخ ۱۴۰۱/۳/۲۱ به چاپ رسید و به فضل خدا در خدمت ذاکرین قرار گرفت.

از اینکه بنده طبع شعر در رثای اهل بیت را داشتم شعرهای در مدت چند سال در رثای

اهل بیت گفته بودم که همین دفتر اشک ماتم
دومین اثر اینجانب می باشد تهیه و تنظیم و
در دو بخش آماده شد

بخش اول شامل چهارده معصوم (ع)

بخش دوم شهدای کربلا

و از کلیه عزیزانی که مشوق بنده شدن به
خصوص فرزندان عزیزم محمدریاضی که در
موضوع چاپ بنده را یاری نمودند طلب اجر
و پاداش را از خدای متعال و ائمه ای اطهار
مسئلت دارم.

امید است که انشاءالله قبول درگاه حق و
رضایت اهل بیت علیهم السلام قرار بگیرد.
التماس دعا دارم

خادم الذاکرین ابراهیم ریاضی

۱۴۰۲/۲/۲۸

اشک ماتم سوز و ساز این دل است
شعرهای جانگداز این دل است
اشک ماتم را بخوان با سوز دل
اشک ماتم بال پرواز دل است

بخش اول دفتر اشک ماتم

شامل نوحه های چهارده معصوم علیه السلام
مرثیه پیامبر اکرم(ص) و مناسبت های ۲۸
صفر

عزای رحمت للعالمین است
همه عالم عزادار و غمین است
لباس غم به تن پوشیده امت
نشسته در عزایت امامت
امیرالمؤمنین در غم نشسته
که ارکان رسالت شد شکسته

جهان از این غم عظمًا ملول است
 که غم بر قلب زهرای بتول است
 منادی می زند هر لحظه فریاد
 که شد امت یتیم ای داد و بیداد
 مصالای پیمبر شد سیه پوش
 که خورشید رسالت گشته خاموش
 زمین و آسمان را غم گرفته
 امین و وحی حق ماتم گرفته
 چو بسته چشم ختم المرسلین شد
 امیرالمؤمنین خانه نشین شد
 چه خوب کردند ادا حق رسالت

زدند آتش در و بیت ولایت
 به جای مزد، اهل آن زمانه
 زدند بر دختر او تازیانه
 (ریاضی) بنده زار و ملولم
 گدای کوی اولاد رسولم
 ابراهیم ریاضی

نوحه رحلت پیامبر اکرم(ص)

عالم گرفته عزا و ماتم
 رفته ز دنیا رسول خاتم
 عالم شده غرق عزا آه واویلا
 جان داده ختم الانبیا آه واویلا

بقیة الله آجرک الله
 پیغمبر ما رفتہ ز دنیا
 امت یتیم شد آہ واویلا
 عالم شدہ غرق عزا آہ واویلا
 جان داده ختم الانبیا آہ واویلا
 بقیة الله آجرک الله
 زہرای اطہر امشب یتیم است
 از داغ بابا او دل دونیم است
 عالم شدہ غرق عزا آہ واویلا
 جان داده ختم الانبیا آہ واویلا
 بقیة الله آجرک الله

بیت ولایت گشته سیه پوش
امشب گرفته غم را در آغوش
عالم شده غرق عزا آه واویلا
جان داده ختم الانبیا آه واویلا
بقیة الله آجرک الله
شهر مدینه در غم نشسته
در بیت مولا غم حجله بسته
عالم شده غرق عزا آه واویلا
جان داده ختم الانبیا آه واویلا
بقیة الله آجرک الله
شام سیاه و عالم غمین است

امشب عزادار روح الامین است
 عالم شده غرق عزا آه واویلا
 جان داده ختم الانبیا آه واویلا
 بقیة الله آجرک الله
 مولای عالم علی غریب است
 بعد از پیامبر او غم نصیب است
 عالم شده غرق عزا آه واویلا
 جان داده ختم الانبیا آه واویلا
 بقیة الله آجرک الله
 (ابراهیم ریاضی)

مناجات با خدا در شب شهادت حضرت علی(ع)

یا بن الحسن قدر آمد و قدری ندارم
با این همه آلودگی شب‌زنده دارم
قرآن بر سر گیرم با روی سیاهم
مولای من آخر تویی دارم و ندارم
بخشا گناه‌ام ای خدای بنده‌پرور
حقا که تو بخشنده‌ای من شرمسارم
صد بار شکستم توبه و باز آمدم من
اسمت بود غفار، من امیدوارم
گرچه گنه کارم ولی فخرم بر این است
باشد شعارم یا علی در شام تارم

گر تو نبخشی ای خدای حی غفار
همچون گدایان بر درت چشم انتظارم
امشب مکرر می زنم در بت الهی
تا بنگری بر اشک و بر این حال زارم
یارب به حق مادری پهلوشکسته
دیگر چه گویم؟ بنده ای بی اعتبارم
حق شاه ای لب تشنه ای عریان بی سر
عفوم نما در بند معصیت دچارم
حق علی و حضرت زهرا ی اطهر
حق خودت عفوم نما ای کردگارم
هستم (ریاضی) عبد مسکین و ضعیفم

جرم بود بسیار و من تقصیر کارم

در مدح حضرت علی(ع)

مهر گوید مکن گرفتم نور خود را از علی
ماه گوید نور من باشد ز مهر انورش
کعبه امشب می کند ناز بر تمام خاکیان
مثل گل دربر گرفته مرتضی و مادرش
آسمان مکه امشب نورباران می شود
زانکه وجه الله را امشب گرفته در برش
خیریان را بود رؤیای وحشت تا سحر
عمرو مرحب تن به لرزه در میان بسترش
صاحب تیغ دو سر امشب به دنیا آمده

لرزه افتاده به جان دشمن خیره سرش
کعبه امشب در درون خویش دارد میهمان
او بود هم میهمان هم کعبه را تاج سرش
این شرف بس کعبه را در سیزده ماه رجب
جلوه گر شد از درونش وجه رب داورش
کعبه میدانی؟ چه کس در تو به دنیا آمده
رکن دین است، خلق عالم را بود او رهبرش
مرشد روح الامین باشد همین مولود تو
همچو پروانه زند پر جبرئیل دوروبرش
این بود حبل المتین هم در سما هم در زمین
این یدالله است جان حضرت پیغمبرش

آدم و نوح و سلیمان و تمام انبیاء
در سرورند زانکه آمد ذات حق را حیدرش
بیت حق گشته منور با جمال کبریا
این علی باشد که باشد کعبه را او محورش
شیعه گوید مستی من از صبوی حیدر است
ساقیم باشد علی می جرعه‌ای از کوثرش
آنکه از روز ازل بر جبرئیل استاد شد
ای زبانم لال که باشم ذاکر خاک درش
این حدیث از قول پیغمبر بود در شأن او
افضل است، از طاعت خلق ضرب تیغ دوسرش
ابن ملجم را توان ضربت کاری نبود

من گمانم یا علی گفتا که زد بر پیکرش
ابن بود تقلید من از شعر استاد شهریار
نه بشر گویم علی را نه خدای اکبرش
یک کلام گویم ز مدحش با زبان قاصر
این علی حق است حقیقت را بود او زیورش
عبد مصلح خدا بود در کمال بندگی
نیروی حق باوری بود در تمام پیکرش
ای خدا بخشا گناهم من کجا و او کجا
آنکه قرآن لب گشوده در ثنای کوثرش
در کلستان نغمه بلبل بود ذکر علی
گل بگوید من صفا دارم ز نام اطهرش

ای (ریاضی) تو کجا و مدح مولای جهان
بس کن از مدح علی حتی ز مدح قنبرش
ابراهیم ریاضی

در مدح حضرت علی

خالق هستی مرا چون آفرید
روح خود را در تن من او دمید
او به لطف خود مرا تحسین کرد
مهر حیدر را به من تلقین کرد
مهر حیدر در تن من روح اوست
حیدری خلقم نمود روز نخست
شکر حق من شیعه‌ای حیدر شدم

ریزه خوار ساقی کوثر شدم
خواستم تا مدحی را انشاء کنم
مدح حیدر همسر زهرا کنم
با خودم گفتم به فکر خویش باش
بر در بیت الولا درویش باش
تو کی هستی؟ تا حیدر دم زنی
دم ز مدح ساقی کوثر زنی
کار هر کس نیست که مدح او کند
گل بگوید محفلی خوشبو کند
لاف از حیدر زنی کار دل است
دل که حب او ندارد چون گل است

او بود قرآن ناطق در زمین
 او بود سرّ الهی حی مبین
 او همان مرد دلیر خیر است
 او وصی ای بر حق پیغمبر است
 او امام اولین شیعه است
 او همان حبل المتین شیعه است
 حیدر کرار بود یک نام نام
 شیعه مستی می کند با جام او
 صاحب تیغ دو سر نامش علیست
 با ولایش قلب شیعه مبخلیست
 او بود نخل غدیر در یک کلام

او به امر حق شده بر ما امام
ای (ریاضی) عبد مسکین خدا
تو کجا و مدح شاه اولیا
عاجزاند در مدح او خلق جهان
مدح او گوید خلاق جهان
ابراهیم ریاضی

دریای مدح علی بیکرانه است
اوصاف بو تراب کار عاقلانه است
عاجز بود بشر از مدح مرتضی علی
مداح او ذات خدای یگانه است
ابراهیم ریاضی

در مصیبت حضرت علی

بزن بر سینه و سر دل غمین است
شب قتل امیرالمؤمنین است
علی از تیغ کین فرقش دوتا شد
یتیمان بی کس و بی اقربا شد
نباشی منتظر این چاه کوفه
که غم از فرق مولا زد شکوفه
امام المتقین فرقش شکسته
یتیمانش همه در غم نشسته
نیارید شیر یتیمان دیگر امشب
که بی بابا شده مظلومه زینب
فقیران رخت ماتم کرده در بر

که بی مولا شده محراب و منبر
 الا ای دردمندان، آرام خاموش
 نیاید آن امام کیسه بر دوش
 علی راحت شد از غم‌های دنیا
 که امشب می‌شود میهمان به زهرا
 حسن گریان حسین در شوروشین است
 روان اشک از دو چشم زینبین است
 ملائک در سما ماتم گرفته
 که بیت مرتضی را غم گرفته
 صدای بانگ واویلا به گوش است
 که محراب دعا امشب خموش است
 نیاید صوت جانسوز دعایش

خموش است ناله‌های ربنایش
 ندای قد قتل تا عرش اعلاست
 صدای وا علی بر گوش جان‌هاست
 (ریاضی) قلب عالم غرق خون است
 علی داغ غمش از حد فزون است
 ابراهیم ریاضی

نوحه شهادت حضرت علی(ع)

مولا علی مولا علی (۲)
 شمشیر زهر آلود کین
 امشب شدی حاجت روا
 شوق القمر بنموده‌ای

فرقی سر مولای ما
 مولای علی مولای علی (۲)
 قدوسیای بر سر زنان
 عرش خدا در زمزمه
 امشب علی مرتضی
 مهمان شود بر فاطمه
 مولای علی مولای علی (۲)
 امشب امام المتقین
 راحت ز غمها می شود
 با فرق گلگون شیر حق
 مهمان به زهرا می شود

مولا علی مولا علی (۲)
 ایتام کوفه دلغمین
 چشم انتظار و بی کس اند
 زانو بغل بگرفته اند
 خونین دل و دل واپس اند
 مولا علی مولا علی (۲)
 کوفه پر از غوغا شده
 محراب بی مولا شده
 ارض و سما غرق محن
 زین ماتم عظماشده
 مولا علی مولا علی (۲)

ای چاه کوفه نیمه شب
خاموش و تاریکی چرا
گویا شده شق القمر
ماهت به محراب دعا
مولا علی مولا علی (۲)
ابراهیم ریاضی

در مدح و مصیبت حضرت زهرا(س)

سلام ای مادر سادات سلام ای دخت پیغمبر
سلام ای گوهر عصمت سلام ای یاور حیدر
که هستم تا که گویم من؟ سلامی بر تو یا زهرا
خدا بر تو نمود ابلاغ سلام ای مظهر داور

من قاصر کجا و مدح تو صدیقه کبرا
که قرآن مبین باشد ثناخوان تو ای گوهر
بنازم آن مقامی را که در شأن تو می باشد
که بابا می زند بوسه به دستان تو ای دختر
جواز شافع امت به دست تو دهد خالق
تو با اولاد معصومت شفیع باشید در محشر
تو دخت رحمت للعالمین در عالمین هستی
تو باب رحمتی و رحمت حق را تویی محور
زبانم لال چه گویم در مقامت حضرت زهرا
مسبب بر تمام خلقتی ای مام بحروب و بر
تو قرآنی تو الرحمن تو والفجر و تو یاسینی

که این سوره به نام توسست انا اعطیناک الکوثر
 علی باشد امام رهنما در عالم هستی
 امامت را تویی هم رزم و هم پیمان و همسنگر
 تو در بیت ولایت یاور جبل المتین بودی
 که نااهلان تو را نقش زمین کردند به پشت در
 امان از لحظه‌ای که زینبت می‌گفت ای ظالم
 مزن تو تازیانه مادرم را ای ستم‌گستر
 (ریاضی) کم بگو مدح علی و حضرت زهرا
 که هستی خاک پای زائرین ساقی کوثر

(ایام فاطمیه)

فاطمیه غربت مولای ماست
فاطمیه اول غم‌های ماست
فاطمیه عالمی غرق محن
فاطمیه کوچه و اشک حسن
فاطمیه گریه و اشک حسین
فاطمیه ناله‌های زینبین
فاطمیه خانه‌ای در زمزمه
ذکر آن خانه بود یا فاطمه

فاطمیه — اول درد و بلاست
فاطمیه شاه راه کربلاست
فاطمیه دست مولا بسته شد
پهلوی یار گلشن بشکسته شد
جاهلان بر دخت پیغمبر زدند
تازیانه بر گُل حیدر زدند
پشت در یأس علی پرپر شده
زینبش پروانه‌ای مادر شده
ای (ریاضی) ماجرای در مگو

از زمین افتادن مادر بگو

رباعی

پرسـتوهای خانـه ای حیـدر
در تـکـاپوی یـاری مـادر
همـه سـوختند مـثل پروانـه
تا نـگاه کردند جـای مـیخ در
(ریاضی)

زبان حال حضرت علی در مصیبت زهرا(س)

الا مظلومه زهرایم حلالم کن حلالم کن
 که من بی یار و تنهایم حلالم کن حلالم کن
 گل هجده بهار من خداحافظ خداحافظ
 شکسته پهلویار من خداحافظ خداحافظ
 علی بعد از تو یا زهرا قرین غصه و آه است
 ندارد همدمی دیگر که همرازش دل چاهست
 بسان شمع و می سوز حسینت نیمه های شب
 مرا آتش زده بر جان صدای ناله ای زینب

اسیر کوچه‌ای غم‌هاست حسن آن نور عین تو
 نخواهد بی تو یک لحظه حسین تو حسین تو
 (ریاضی) غصه‌ای مادر ندارد آخر و پایان
 چراغی زندگیست مادر به هر عصر و به هر دوران
 (ابراهیم ریاضی)

روز محشر و حضرت زهرا (س)

در صف محشر همه خلق جهان
 هر کسی دارد نوای الامان
 نیست دیگر یاور و فریادرس

از محبان و عزیزان هیچ کس
تخل محشر منتظر بنشسته اند
یک به یک زار و ملول و خسته اند
تا که اذن از جانب داور رسید
شافع امت پیمبر می رسد
آل پیغمبر کرامت می کنند
هر کسی خواهند شفاعت می کنند
ناگهان محشر شود در همه
می رسد دخت پیمبر فاطمه

تا که زهرا وارد محشر شود
 محشر از او محشری دیگر شود
 در قیامت او قیامت می کند
 با حسینش او شفاعت می کند
 محشر آن روز می شود در شوروشین
 روضه می خواند زهرا بر حسین
 آورد با خود گل از یاس را
 هر دو دستی خونی عباس را
 گریه کن های حسین فاطمه

وارد محشر شوند با همه
فاطمه آید به استقبالشان
مهر گردد دفتر اعمالشان
این حدیث قول نبی اکرم است
گریه کن‌های حسین خرم است

متن حدیث پیامبر (ص)

یا فاطمه کل عین باکیه يوم القيامة إلا عین
بکت علی مصاب الحسین.

پیامبر (ص) فرمود:

ای فاطمه همه چشم‌ها در روز قیامت گریان

است جز چشمی که بر مصیبت‌های حسین
بگیرد.

نوحه حضرت زهرا(س)

امشب علی مظلوم در غم نشسته
از داغ یار گلشن قلبش شکسته
رفته ز دنیا زهراى اطهر
علی شد امشب در غم شناور
مظلومه زهرا (۲)

امشب حسن بگیرد از داغ مادر
امشب حسینش زند با ناله بر سر
رفته ز دنیا زهراى اطهر

علی شد امشب در غم شناور
مظلومه زهرا (۲)

اشب علی گرفته غم را در آغوش
بیت امامت امشب گشته سیه پوش
رفته ز دنیا زهرا ی اطهر
علی شد امشب در غم شناور
مظلومه زهرا (۲)

اشک دو چشم زینب پایان ندارد
درد فراق مادر در مان ندارد
رفته ز دنیا زهرا ی اطهر
علی شد امشب در غم شناور

مظلومه زهرا (۲)

بی مادری خدایا سخته به زینب
جانش ز درد و غصه رسیده بر لب
رفته ز دنیا زهرا ی اطهر
علی شد امشب در غم شناور

مظلومه زهرا (۲)

دفن شبانه‌ای او داغ گران است
آثار تازیانه بر او عیان است
رفته ز دنیا زهرا ی اطهر
علی شد امشب در غم شناور

مظلومه زهرا (۲)

ام الائمه امشب راحت شد از غم
 مهدی نشسته امشب در بزم ماتم
 رفته ز دنیا زهراى اطهر
 على شد امشب در غم شناور
 مظلومه زهرا (۲)

ابراهيم رياضى

زبان حال حضرت على کنار قبر زهرا(س)

يا فاطمه همراه من نور دو عينت آمده
 برخيز دلدارى بده امشب حسينت آمده
 اشک یتیمی حسين از غم کبابم می کند
 چشم پر آب زينبت چون شمع آبم می کند

زینب شده صاحب عزا گوید حسن از کوچه‌ها
مانند شمع سوزد حسین واغربتا واغربتا

در مصیبت امام حسن مجتبی (ع)

کوچه‌ای شهر مدینه شاهد است بر غربتم
من شدم پروانه مادر پرم آتش گرفت
عمری بودم روضه خوان سیلی و روی کبود
کوچه‌ای تنگ دیدم و پا تا سرم آتش گرفت
خواهرم زینب بیاور طشتی آخر دربرم
زهر کینه آتشم زد پیکرم آتش گرفت

نوحه امام حسن مجتبی (ع)

مولا امام مجتبی جانم فدایت یا حسن
کریم آل مصطفی جانم فدایت یا حسن
گریم برایت یا حسن جانم فدایت یا حسن
زهر جفای همسرت آتش زده بر پیکرت
از ناله‌های زار تو خون گشته قلب خواهرت
گریم برایت یا حسن جانم فدایت یا حسن
طشت پر از خون تو را زینب تماشا می‌کند
قاسم کنار بسترت بهر تو غوغا می‌کند
گریم برایت یا حسن جانم فدایت یا حسن
هم در میان خانه و هم در مسیر کوچه‌ها

بودی غریب و بی معین ای نور چشم مصطفی
 گریم برایت یا حسن جانم فدایت یا حسن
 قومی که می خواندن تورا هر دم مذل المؤمنین
 همچون علی مرتضی کردند تورا خانه نشین
 گریم برایت یا حسن جانم فدایت یا حسن
 تو بعد بابایت علی مظلوم و تنها بوده ای
 از قاتلان مادرت زخم زبان بشنیده ای
 گریم برایت یا حسن جانم فدایت یا حسن
 شد تیرباران پیکرت پیش حسین برادرت
 صاحب عزای تو بود پهلوشکسته مادرت
 گریم برایت یا حسن جانم فدایت یا حسن

جانت رسید از غم به لب باگریه و با شور و شین
در لحظه های آخرت تو روضه خواندی بر حسین
گریم برایت یا حسن جانم فدایت یا حسن

مدینه شهر رسول

مدینه شهر رسول و امید دل‌هایی
مدینه مدفن پاک شهیده زهرایی
مدینه کوچه شهرت عجب غم‌انگیز است
خمیده برگ و بر تو مثال پاییز است
هنوز هم ز فضای تو بوی دود می‌آید
هنوز هم ناله‌ای یأس کبود می‌آید
مدینه خاطره‌های عجیب داری تو

به سینه قصهٔ مرد غریب داری تو
چرا دو دست علی را به ریسمان بستند
چرا پهلوی زهرا ز کینه بشکستند
کجا صورت زهرا هدف به سیلی شد
حجاب ماه علی از چه ابر نیلی شد
چرا جنازهٔ زهرا شبانه می بردند
بگو به ما که چرا مخفیانه می بردند
ابراهیم ریاضی

زبان حال امام حسن (ع)

گرچه که از زهر جفا من بیقرارم
من غصه دیگر درون سینه دارم

یک عمر خوردم خون دل با حال خسته
یادی در و دیوار و پهلوی شکسته

توسل به امام حسین(ع)

امید حی و مماتم حسین امام غریم
تو هستی باب نجاتم حسین امام غریم
غلام بی سر و پاتم حسین امام غریم
بده تو برگ براتم حسین امام غریم
گدای کوی تو ام من که روبه سوی تو ام من
به لحظه ای که دهم جان در آرزوی تو ام من
میان قبر و قیامت همی به شیون و شینم

کلام آخرم این است که من غلام حسینم
ابراهیم ریاضی

مرثیه و نوحه امام سجاد(ع)

راوی کربلا من بوده‌ام
همدم درد و بلا من بوده‌ام
شام عاشورای خونین دیده‌ام
پرپر گل‌ها ز گلچین دیده‌ام
روی نی رأس پدر من دیده‌ام
داغ غم‌های برادر دیده‌ام
جسم بابایم به صحرای بلا

مانده بی غسل و کفن در قتلگاه
ماتم کربلا بود یک طرف
آن همه ظلم و جفا بود یک طرف
تا چهل منزل تن من خسته بود
دست و پاهایم به زنجیر بسته بود
وای من ای وای من از شهر شام
بس که ما را می زدند از روی بام
بسته بودند دست ما را در طناب
می نمودند وارد بزم شراب
بود رأس باب من در طشت زر
چوب می زد آن لعین بدسیر

ای (ریاضی) تو مگو با شور و شین
از یزید و رأس پر خون حسین
ابراهیم ریاضی

نوحه امام سجاد(ع)

سجادم و درد و بلا پیرم نموده
موج غم دنیا زمینگیرم نموده
ای اهل عالم وای از غم شام
زخم زبان و سنگ از روی بام
آه واویلا (۲)

من راوی دشت و بلا و کربلایم
من یادگار شام غم‌های بلایم

ای اهل عالم وای از غم شام
زخم زبان سنگ از روی بام
آه واویلا (۲)

دیدم سر بابای مظلومم بریدند
دیدم جوانان را به خاک و خون کشیدند
ای اهل عالم وای از غم شام
زخم زبان سنگ از روی بام
آه واویلا (۲)

دیدم که سیلی زد عدو بر خواهر من
بار دیگر شد تازه داغ مادر من
ای اهل عالم وای از غم شام

زخم زبان سنگ از روی بام
آه واویلا (۲)

تا شام غم موج ستم بود و بلا بود
در پیش چشم من سر از تن جدا بود
ای اهل عالم وای از غم شام
زخم زبان سنگ از روی بام
آه واویلا (۲)

قوم یهودی زخم ما را تازه کردند
ما را زدند و ظلم بی اندازه کردند
ای اهل عالم وای از غم شام
زخم زبان سنگ از روی بام

آه واویلا (۲)

در یک طناب بستند ما را ظالمانه
ز جر لعین می زد دمام تازیانه
ای اهل عالم وای از غم شام
زخم زبان سنگ از روی بام
آه واویلا (۲)

مرثیه نوحه امام باقر (ع)

پنج ساله بودم من غم دنیا چشیدم
هر لحظه از کوه ستم ها من خمیدم
در کودکی چون شمع سوزان آب گشتم
بین اسیران بارها بی تاب گشتم

دیدم به زنجیر ستم دست پدر را
دیدم ستم‌های پلیدی بی‌خبر را
دیدم طناب و بستنِ دست اسیران
وای از خرابه وای از اشک یتیمان
یک عمر خورد م خون دل با آه و ناله
بر گریه‌های عمه و طفل سه ساله
امشب شدم راحت من ای شهر مدینه
از آن همه جور و جفای اهل کینه
آتش مزین تو ای (ریاضی) بار دیگر
دیگر مگو از باقر آل پیمبر

نوحه امام باقر (ع)

ای باقر ای آل علی هستم گدایت
 معصوم هفتم جان من بادا فدایت
 ای روضه خوان حدیث غم‌ها
 گریم برایست فرزند زهرا
 مظلوم اماما مظلوم اماما
 جانم فدای قبر بی شمع و چراغت
 گریم برای خاطرات پر ز داغت
 ای روضه خوان حدیث غم‌ها
 گریم برایست فرزند زهرا
 مظلوم اماما مظلوم اماما

تو شاهد درد و غم کربلایی
 تو راوی غم نامه های نینوایی
 ای روضه خوان حدیث غم ها
 گریم برایست فرزند زهرا
 مظلوم اماما مظلوم اماما
 پنج ساله بودی و غم بی حد تو دیدی
 تو مثل مادر طعم سیلی را چشیدی
 ای روضه خوان حدیث غم ها
 گریم برایست فرزند زهرا
 مظلوم اماما مظلوم اماما
 تو دیدی و سر از تن جدت بردند

جسم شریفش را به خاک و خون کشیدند
 ای روضه خوان حدیث غم‌ها
 گریم برایست فرزند زهرا
 مظلوم امام‌ا مظلوم امام‌ا
 تو دیدی در دشت بلا شام غریبان
 تو دیدی آه و ناله اشک یتیمان
 ای روضه خوان حدیث غم‌ها
 گریم برایست فرزند زهرا
 مظلوم امام‌ا مظلوم امام‌ا
 تو کودکی بودی که قلبت را شکستند
 دست تو را هم با طناب کینه بستند

ای روضه خوان حدیث غم‌ها
 گریم برایست فرزند زهرا
 مظلوم اماما مظلوم اماما
 تو همسفر بودی با خیلی اسیران
 تا کوفه و شام بلا و کنج ویران
 ای روضه خوان حدیث غم‌ها
 گریم برایست فرزند زهرا
 مظلوم اماما مظلوم اماما
 هستم (ریاضی) خاک راه این سرایم
 من نوحه خوان باقر آل عبایم
 ای روضه خوان حدیث غم‌ها

گیریم برایست فرزند زهرا
مظلوم امام ما مظلوم امام ما
ابراهیم ریاضی

مرثیه نوحه امام صادق (ع)

من روضه خوان آن درودیوار هستم
من داغدار سینه و مسمار هستم
آتش اگر از خانه ام می زد زبانه
اما نزد کس همسرم را تازیانه
بستند دستانم اگر در سن پیری
دیگر نرفته کودکانم در اسیری
من وارث دستان بسته در طنابم

گریان به یاد زینب بزم شرابم
قلب علی و آل اطهارش شکستند
هم چون علی دستان مولا بیستند
گرچه تنش رنجور از درد و محن شد
بعد از شهادت جسم پاک او کفن شد
دیگر تنش پامال مرکب‌ها نگردید
رأسش به روی نیزه اعدا نگردید
با احترام کردند تشییع جنازه
وای از حسین و اسب‌ها با نعل تازه
تشییع کردند شیعیان جسم شریفش
دل‌ها بسوزد بر حسین جد غریبش

سر از تن جد غریب او بریدند
در کربلا جسمش به خاک و خون کشیدند
جانم فدای قبر بی شمع و چراغش
اینجا نبودی خواهری گرید برایش
وای از دل زینب که می زد او به سینه
بنشسته دید شمر لعین بر روی سینه
هستم (ریاضی) سائل کوی بقیعیش
ای کاش بودم من پرستوی بقیعیش

نوحه امام صادق (ع)

امام صادق کشته شد آه واویلا
قرآن ناطق کشته شد آه واویلا

عالم از این غم ماتم سرا شد
 شهر مدینه بزم عزا شد
 بقیة الله آجرک الله
 امام باقر خون جگر گردیده امشب وای
 موسی بن جعفر بی پدر گردیده امشب وای
 عالم از این غم ماتم سرا شد
 شهر مدینه بزم عزا شد
 بقیة الله آجرک الله
 بستند دستش نیمه شب از خانه اش بردند
 شمشیر کشیدند بهر قتلش قلبش آزدند
 عالم از این غم ماتم سرا شد

شهر مدینه به بزم عزا شد
 بقیة الله آجـرک الله
 آتش زدند یکبار دیگر باغ پیغمبر
 امشب دوباره تازه کردند داغ پیغمبر
 عالم از این غم ماتم سرا شد
 شهر مدینه به بزم عزا شد
 بقیة الله آجـرک الله
 یادی دری بیت ولایت تازه گردیده
 ظلم و جفا و کینه بی اندازه گردیده
 عالم از این غم ماتم سرا شد
 شهر مدینه به بزم عزا شد

بقیة الله آجرک الله
 قوم دغا آتش زدند در بیت آن مولا
 سوزد در آتش خانه اش چون خانه زهرا
 عالم از این غم ماتم سرا شد
 شهر مدینه بزم عزا شد
 بقیة الله آجرک الله
 امشب تمام شیعیانش می زند بر سر
 گرید به یاد غربت فرزند پیغمبر
 عالم از این غم ماتم سرا شد
 شهر مدینه بزم عزا شد
 بقیة الله آجرک الله

عالم همه ماتم گرفته از غم صادق
 شهر مدینه غم گرفته از غم صادق
 عالم از این غم ماتم سرا شد
 شهر مدینه بزم عزا شد
 بقية الله آجرک الله
 امشب کنار تربتش مهدی عزدار است
 گرید به یاد غربتش از دیده خونبار است
 عالم از این غم ماتم سرا شد
 شهر مدینه بزم عزا شد
 بقية الله آجرک الله

ابراهیم ریاضی

نوحه امام صادق (ع)

وا مصیبت وا مصیبت (۲)

کشته شد از ظلم و کینه صادق آل پیمبر
خون جگر شد زین مصیبت حضرت زهراى اطهر

وا مصیبت وا مصیبت (۲)

از جفای زهر قاتل قلب او شد پاره پاره
از میان خانه‌ای او آتش کین زد شراره

وا مصیبت وا مصیبت (۲)

شیعه امشب در عزایش بزم اشک و غم گرفته
حضرت موسی بن جعفر محفل ماتم گرفته

وا مصیبت وا مصیبت (۲)

بارها بردند به مقتل دربرش آل علی را
خون نمودند زآن جفاها قلب اولاد علی را
وا مصیبت وا مصیبت (۲)

جان ما بادا فدای قبر بی شمع و چراغش
خون نموده قلبها را محفل پردرد و داغش
وا مصیبت وا مصیبت (۲)

مرثیه و نوحه امام کاظم (ع)

سیه چال بلا راحت شدی از آه شبگیرم
به گوش تو نمی آید دگر آوای زنجیرم
فضای تو بود شاهد بر صوت مناجاتم
ز بس که گفته ام یارب خصلتی زجان سیرم

نه نای ناله دارم نه توان حمل این زنجیر
ز بس که تازیانه خورده‌ام دیگر زمینگیرم
نه یک مونس نه یک همدم ندارم من ملاقاتی
من از نحو ملاقاتی این صیاد دلگیرم
مزن صیاد مرا سیلی مکن نیلی عذار من
که آخر از غم مادر به این زندان می‌میرم
مزن دیگر مرا با تازیانه سندی ملعون
ندارم طاقت دیگر به جا مانده است تصویرم
دلم سوزد برای قلب محزون رضای او
که می‌گفت داغ بابای غریبم کرده است پیرم
بزن بر سینه و سر ای (ریاضی) بهر آن مولا

که می‌گفت شکرلله‌ای خدای این است تقدیرم
ابراهیم ریاضی

نوحهٔ امام کاظم(ع)

در کنج زندان بلا موسی بن جعفر
جان داده از ظلم و جفا الله اکبر
در کنج زندان - جانش فدا شد
فرزند زهرا - از غم رها شد
زندانی بغداد - امشب شده آزاد
امشب رضایش سینه‌زن از داغ باباست
امشب عزدار غمش مظلومه زهراست
در کنج زندان - جانش فدا شد

فرزند زهرا - از غم رها شد
 زندانیی بغداد - امشب شده آزاد
 خون گریه کرده غل و زنجیر از غم او
 زخم زبانِ قاتلش شد مرحم او
 در کنج زندان - جانش فدا شد
 فرزند زهرا - از غم رها شد
 زندانیی بغداد - امشب شده آزاد
 در گوش زندان ناله‌های یاربش بود
 خلصنی یارب ذکر دائم بر لبش بود
 در کنج زندان - جانش فدا شد
 فرزند زهرا - از غم رها شد

زندانیی بغداد - امشب شده آزاد

ابراهیم ریاضی

مرثیه و نوحهٔ امام رضا (ع)

ای غریب شهر طوس آقا سلام
 هشتمین شمس الشمس آقا سلام
 ضامن آهوی صحرا یا رضا
 دلبر و فرزند زهرا یا رضا
 بضعه‌ای احمد تویی چون فاطمه
 تورئوف و مهربانی بر همه
 بی‌نوا را مونس و همدم تویی
 درد بی‌درمان را مـرحم تویی

سائلَم من باب حاجاتم تویی
هر سحر ذکر مناجاتم تویی
توبه وقت احتضار و بی کسی
شیعیانت را به دادش می رسی
من فدای گنبد و گلدسته ات
من فدای آن دل بشکسته ات
زهر مأمون خون نموده بر دلت
هی نشستی پا شدی تا منزلت
در میان حجره دست و پا زدی
سوختی و ناله ای جانکاه زدی
ز آتش زهر جفا جان تو سوخت

خواهرت از داغ هجران تو سوخت
او نبود تا بهر تو زاری کند
گرید و بهرت عزاداری کند
وای از آن لحظه که با صد شوروشین
دید زینب جسم عریان حسین
گفت ای گل نور عین من تویی؟
ای تن بی سر حسین من تویی
گر حسین من تویی کو اکبرت
کو سر و پیراهن و انگشترت
ای گل پرپر نباشد باورم
که تو هستی یادگار مادرم

بعد از آن بالحن پرسوز و گداز
 روی نمودی جانب و سمت حجاز
 زد صدا گفتا که یا جدا بین
 جسم صد چاک حسینت بر زمین
 یا رسول الله حسینت کشته شد
 تشنه لب نور دو عینت کشته شد
 ای (ریاض) آتش مزن بر قلبها
 تو مگو از زینب و دشت بلا
 ابراهیم ریاضی

نوحه امام رضا (ع)

امشب همه ارض و سما غم گرفته

امشب جواد ابن الرضا ماتم گرفته
در شهر غربت - گردیده مسموم
رضای زهرا - امام هشتم
مظلوم رضا جان مظلوم رضا جان
شد آدم و جن و ملک مرثیه خوانش
زهر هلاهل کرده بی تاب و توانش
در شهر غربت - گردیده مسموم
رضای زهرا - امام هشتم
مظلوم رضا جان مظلوم رضا جان
آتش زده زهر ستم بر پیکر او
می‌گریسد از درد فراقش خواهر او

در شهر غربت - گردیده مسموم
 رضای زهرا - امام هشتم
 مظلوم رضا جان مظلوم رضا جان
 از زهر کین مولای ما پا تاسرش سوخت
 در حجره در بسته او بال و پرش سوخت
 در شهر غربت - گردیده مسموم
 رضای زهرا - امام هشتم
 مظلوم رضا جان مظلوم رضا جان
 شیعه زند از داغ او با ناله بر سر
 گریان به یاد غربتش زهرا و حیدر
 در شهر غربت - گردیده مسموم

رضای زهرا - امام هشتم
 مظلوم رضا جان مظلوم رضا جان
 یابن الحسن مولا سرت بادا سلامت
 جان داده در غربت گُل باغ امامت
 در شهر غربت - گردیده مسموم
 رضای زهرا - امام هشتم
 مظلوم رضا جان مظلوم رضا جان
 ابراهیم ریاضی

مرثیه و نوحه در مصیبت امام جواد(ع)

جواد ابن الرضایم از عطش بال و پرم سوزد
 چه زهری بود خدایا من تمام پیکرم سوزد

میان حجره در بسته بس که من زدم ناله
خداوندا از این درد و غم پا تا سرم سوزد
غم سوزی عطش یکسو، بسوزم از غم هادی
که بر حال دل من هادی غم پرورم سوزد
زدم فریاد و گفتم العطش ای دشمن غدار
در این لحظه دل من یاد جد اطهرم سوزد
اگرچه تشنه جان دادم ولیکن سر به تن دارم
دل غم پرورم امشب به جد بی سرم سوزد
ریاضی گریه کن بر غربت ابن الرضا امشب
که می گفت از عطش آتش گرفتم جگرم سوزد

نوحهٔ امام جواد(ع)

کشته‌ای زهر جفا جواد اهل بیتم
 میوهٔ باغ رضا جواد اهل بیتم
 وای من و وای من وای ز غم‌های من
 زهر جفا زد آتش بر جگرم ای خدا
 نمانده طاقت مرا زد شررم ای خدا
 وای من و وای من وای ز غم‌های من
 در دم جان دادم کسی نبود بنگرد
 هلهله‌ای قاتل و چشم ترم ای خدا
 وای من و وای من وای ز غم‌های من
 میان حجره زدم ناله ز سوز عطش

به یاد جدم حسین خون جگرم ای خدا
 وای من و وای من وای ز غم‌های من
 گُشت مرا خنده‌ای قاتل بداخترم
 زد مرا بر جگر نیشترم ای خدا
 وای من و وای من وای ز غم‌های من
 حجره‌ای در بسته و ناله‌ای جانسوز من
 به غیر قاتل نبود کس به برم ای خدا
 وای من و وای من وای ز غم‌های من
 همسر نامهربان قاتل جانم شده
 ریخته از زهر او بال و پرم ای خدا
 وای من و وای من وای ز غم‌های من

یتیمی هادیم بود غم دیگرم
 اشک فشان از غمش از بصرم ای خدا
 وای من و وای من وای ز غم‌های من
 (ریاضی‌ام) سائل کوی امام جواد
 بنده‌ای عاصی تو در بدرم ای خدا
 وای من و وای من وای ز غم‌های من
 ابراهیم ریاضی

مرثیه و نوحهٔ امام هادی (ع)

آید صدای آه جانسوز منادی
 مسموم زهر کین شده امام هادی
 امشب امام عسکری ماتم گرفته

از داغ بابای غریبش غم گرفته
در شهر سامرا نشسته گرد ماتم
امشب نشسته شیعیان در محفل غم
ای داد و بیداد از غم هادی مظلوم
از کینه اهل جفا گردیده مسموم
گه برده اند با طعنه در بزم شرابش
آخر به زهر کینه کردند دل کبابش
گرچه دلش آزرده از درد و الم شد
گرچه شهید کینه و ظلم و ستم شد
اما دلش گاهی پر از درد و محن بود
گریان به یاد شاه بی غسل و کفن بود

شمع هدایت ای (ریاضی) گشته خاموش
شد عسکری از داغ بابایش سیه پوش

نوحه امام هادی (ع)

هـادیم کـشـتـه ای رـاه دینـم
غـرق غـم از یـسـار و یـمـینـم
مـن گـل گـشـن هـل اـتـایـم
پـور زهـرا و حـبل الـمـتینـم
و اـمـصـیـت مـصـیـت مـصـیـت (۲)
هـادی مـسـلمین در جـهـانـم
وارث خـاتم الانبیا یـم
از تـبار عـلی شـیر یـزدان

نور چشم جواد الرضایم
 وامصییت مصییت مصییت (۲)
 گرچه از ظلم کین من فگارم
 لیک از غم به آه و نوایم
 کشته‌ای اشک جدم حسینم
 ییاد غم‌های کربلایم
 وامصییت مصییت مصییت (۲)
 رفتن بزم می کرده پیرم
 دایم از غم به رنج و عذابم
 ییاد بزم می و رأس جدم
 از غم عمه‌ام دل کبابم

وامصییت مصییت مصییت (۲)
 ای گل گلشن باغ زهرا
 در غمت سامرا غم سرا شد
 شیعہ می زد برایت به سینه
 در عزای تو غوغا به پا شد
 وامصییت مصییت مصییت (۲)
 روز تشییع جسم شریف
 عالمی غرق آه و محن شد
 شیعیان بزم ماتم گرفتند
 پیکرت غسل و دفن و کفن شد
 وامصییت مصییت مصییت (۲)

دل بسوزد برای غریبی
 کز جفا پاره پاره بدن بود
 بعد سه روز به صحرای خونین
 بوریابرتن او کفن بود
 وامصییت مصییت مصییت (۲)
 ای (ریاضی) بیاناله سرکن
 از غم هادی دل شکسته
 مثل جدش علی بوده مظلوم
 فاطمه در عزایش نشسته
 وامصییت مصییت مصییت (۲)
 ابراهیم ریاضی

مرثیه امام حسن عسکری (ع)

امشب تمام سامرا را غم گرفته
 بیت امام عسکری ماتم گرفته
 چراغ عمر عسکری گردیده خاموش
 از ماتم بابا شده مهدی سیه پوش
 امشب دل هر شیعه ای سوزد برایش
 مادر گرفته در جنان امشب عزایش
 خاموش گشته محفل و بیت امامت
 یا حضرت مهدی سرت بادا سلامت

نوحه امام حسن عسکری (ع)

عالمی ماتم سرا شد

سامرا غرق عزا شد
 عسکری از ظلم کینه
 کشته‌ای زهر جفا شد
 وامصیبت وامصیبت (۲)
 عسکری جانم فدایت
 کن نگاهی بر گدایت
 سوزم و گریم برایت
 من بمی‌رم در عزایت
 وامصیبت وامصیبت (۲)
 مثل جدت گشتی مسموم
 ای ام‌ام بی‌قرینه

جان سپردی در جوانی
 از جفای اهل کینه
 وامصیبت وامصیبت (۲)
 اشک ریزان سینه خسته
 قلب مهدیش شکسته
 رخت ماتم کرده در بر
 در غم بابا نشسته
 وامصیبت وامصیبت (۲)
 سامرا شد در عزایت
 شهر ناله شهر ماتم
 شعیانیت در عزایت

کرده بر تن جامه‌ای غم
 وامصـــــیت وامصـــــیت (۲)
 ای خدا مـــــولای مـــــا از
 داغ بابـــــا دل دونـــــیم است
 بی پـــــدر گردیده امشب
 حضـــــرت مهدی یتـــــیم است
 وامصـــــیت وامصـــــیت (۲)
 ابراهیم ریاضی

توسل به امام زمان (ع)

رسید جمعه دیگر کجایی ای مولا
 طیب پهلوی مادر کجایی ای مولا

الا مسافر صحرا سرت سلامت باد
 اسیر کوچه ای غم ها سرت سلامت باد
 بس است طعنه اغیار چرا نمی آیی
 کجایی ای گل بی خار چرا نمی آیی
 مهی مبارک کنعان به پشت ابر تا کی
 گل امید بهاران بیا و صبر تا کی
 بیا که حجت روی زمین تویی آقا
 خطاب ناله ای هل من معین تویی آقا
 (ریاضی) عاصی کوی توام اباصالح
 که ندبه خوان و دعاگوی توام اباصالح
 ابراهیم ریاضی

قائم آل علی

جمعه‌ای دیگر رسید اما نگار من نیامد
طالب خون حسین مولا و یار من نیامد
گوئیا من لایق دیدار رویش نیستم
قائم آل علی داروندار من نیامد
هجر او طولانی شد صبر من آخر رسید
وارث تیغ دوسر صبر و قرار من نیامد
بس که زد اغیار طعنه، قلب من آتش گرفت
ای خدا داروی قلب پرشرار من نیامد
غرق موج غم شدم در بحر ظلمت ای خدا
ناخدای کشتی و آن شهسوار من نیامد

اشک من باشد به بازار عمل سرمایه‌ام
مشتیری اشک چشم اشکبار من نیامد
شاید او باشد کنارم کو بصیرت؟ تا که بینم
با خودم گویم که صاحب اختیار من نیامد
این ندا می‌آید از گودال سرخ کربلا
منتقم اصغرم آن شیرخوار من نیامد
مادری از پشت در آید صدای ناله‌اش
مرحم پهلوی و قلب داغدار من نیامد
خاک پای ندبه‌خوانان (ای ریاضی) تو بگو
غم گرفته عالمی را غمگسار من نیامد
ابراهیم ریاضی

مهدی موعود ما

صاحب و سالار ما کی می رسی
 هادی غمخوار ما کی می رسی
 ای پناه شیعیان یا بن الحسن
 مهدی موعود ما کی می رسی
 ای طبیب پهلوی مادر بیا
 قائم آل عبا کی می رسی
 کاظمینی در مدینه یا نجف
 داغدار کربلا کی می رسی
 شیعه بی توبی سروسامان شده
 یوسف زهرا ز راه کی می رسی
 ابراهیم ریاضی

مصلح عالم

الا ای یوسف زهرا
 الا ای مونس دلها
 الا ای منجی عالم
 بیایا ای مصلح دنیا
 در این دنیای مظلوم کش
 تو یار بی پناهیانی
 تو صاحب بر زمان هستی
 انیس بی نوایانی
 تو کشتی نجات ما
 در این بحر غم انگیزی

گلـی از گلـش طاها
 تو در دوران پاییزی
 گلـی زهرا بیایکدم
 تو عالم را گلستان کن
 جهان ظلمت سرا گشته
 بیاسر سبز و بوستان کن
 ابراهیم ریاضی

الای شیعیان

الای شیعیان صبرم سرآمد
 که دشمن پشت درب حیدر آمد
 مرا در دیست کهنه از زمانه

که خورده مادر من تازیانه
شنیدم پهلوی مادر شکستند
شنیدم مرتضی را دست بستند
الا مادر نبودم یار باشم
تو را در پشت در غمخوار باشم
دعا کن مادرم شاید که روزی
زمان انتظار من سرآید
بگیرم انتقام پهلویست را
که بار غم مرا از دل برآید
(ریاضی) کن دعا تا یار آید
وصیی حیدر کرار آید
ابراهیم ریاضی

جمعه رسید

جمعه رسید ای شه خوبان بیایا
یا صاحب الزمان یار ضعیفان بیایا
شاید گناه من شده تأخیر بر ظهور تو
ای چشمه سار رحمت غفران بیایا
ای حجت خدا و سفینه ای نجات خلق
عالم شده پر از ظلم فراوان بیایا
هر جمعه ندبه خوان توئیم ای امید ما
ای روضه خوان شاه شهیدان بیایا
از مقتل حسین شاه شهیدان ندا رسد
مرحم گذار نیزه و پیکان بیایا

آید صدای ناله‌ای مادر ز پشت در
چشم انتظار توست مام پریشان بیابا
ابراهیم ریاضی

بخش دوم دفتر اشک ماتم

شامل نوحه‌های ماه محرم

آمد مہی محرم مہی عزا مہی غم
سینہ زنم ز روی دفتر اشک ماتم

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ وَ عَلَى
الْأَرْوَاحِ الَّتِي حَلَّتْ بِفِنَائِكَ عَلَيْكَ مِنِّي
سَلَامُ اللَّهِ أَبَدًا مَا بَقِيَتْ وَ بَقِيَ اللَّيْلُ وَ
النَّهَارُ وَ لَا جَعَلَهُ اللَّهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنِّي
لِزِيَارَتِكُمْ السَّلَامُ عَلَى الْحُسَيْنِ وَ عَلَى
عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ وَ عَلَى أَوْلَادِ الْحُسَيْنِ وَ
عَلَى أَصْحَابِ الْحُسَيْنِ.

گدای کوی تو

گدایی در تو شرافت است بر من عاصی
ز لطف توست که من گدا شدم در سرای تو
حسین گفتم و نور تو به قلب من تابید
شعاع نور تو بنمود مرا آشنای تو
به زیر پرچم سرخ تو زندگی کردم
به این امید که شوم روزی خاک پای تو
همیشه سایه‌ای دیوار تو پناه من بوده
خوشم که زندگیم سر رسد با ولای تو
(ریاضیم) من عاصی کرم کن ای مولا

دلم خوش است که بمیرم پای روضه‌های تو
ابراهیم ریاضی

اولین اسم

اولین اسمی که من آموختم
یا حسین گفتم سراپا سوختم
یا حسین گفتم دلم را غم گرفت
جویبار چشم من شبنم گرفت
چون لبم با یا حسین وا می‌شود
درد و غم‌هایم مداوا می‌شود
شام مهتابی من سیمای اوست
برگ آزادی من امضای اوست

گر شدم جاروکش خاک درش
این بود از لطف زهرا مادرش
ای (ریاضی) لطف الله یار دوست
تا حسین فاطمه غمخوار دوست
ابراهیم ریاضی

شکر حق

شکر حق من سائل پشت درت بودم حسین
ریزه خوار سفره و خاک درت بودم حسین
با تولای تو کردم یابن زهرا زندگی
سوختم شمع عزای اکبرت بودم حسین
گر شدم من هیئت و ذاکرت مولای من

شامل لطف دعای مادرت بودم حسین
آخر ای مولای من دست غلامت را بگیر
خاک پای ذاکرین و نوکرت بودم حسین
بوریا بر تو چرا باشد کفن؟ ای بی کفن
کاش من هم بیکفن چون پیکرت بودم حسین
ابراهیم ریاضی

همه دار و ندار من

تمام اعتبار من حسین است
همه دار و ندار من حسین است
شب ظلمانی و در عالم قبر
چراغ شام تار من حسین است
میان باغ و جنات بهشتی

تمام لاله‌زار من حسین است
اگر باشد شعاری بر زبانم
به هر لحظه شعار من حسین است
ندارم من هراسی در قیامت
کلید قفل کار من حسین است
بود شکر الهی بر زبانم
که صاحب اختیار من حسین است
حسینی بودنم لطف الهی است
و هم غمخوار و یار من حسین است
به آواز جلی گوید (ریاضی)
همه دار و ندار من حسین است

در مسیر اربعین

راهیان جادهٔ عشق است غوغا می‌کند
عاشق اینجا پای معشوق جان اهدا می‌کند
در کنار قبر ثارالله رسیده خواهرش
زینب کبرا دوباره یاد غم‌ها می‌کند
پای هر زائر زند گر آبله در این مسیر
یاد از طفل یتیم و خار صحرا می‌کند
زائری گر آب نوشد در مسیر اربعین
گریه بر لعل لب اطفال زهرا می‌کند
ای (ریاضی) تو مگو شرح غم این ماجرا
وقتی اینجا کور و بینا نوحه برپا می‌کند
ابراهیم ریاضی

توسل به امام حسین(ع)

ای امام عالمینم نور چشمان پیمبر
ای امید قلب زارم در صف صحرای محشر
کن شفاعت نوکرت را جان زهرای مطهر
از ازل بودم گدایت روشن از تو شد ضمیرم
یا حسین جان یا حسین جان (۲)
نوکر حلقه بگوشم بر در تو ای حسین جان
ای شه دنیا و دینم از غلامت رو مگردان
منتظر هستم به راحت لحظه‌های دادن جان
تا تو آیی وقت مردن من به شوق تو بمیرم
یا حسین جان یا حسین جان (۲)
تو به طوفان بلایی کشتی راه نجاتم

دلخوشم از آن که هستی حامی حی و مماتم
افتخارم بوده و هست تا که مولا من گداتم
ناز بر شاهان کنم من - که تویی نعم الامیرم
پر زند مرغ دل من - در هوای کوی و بامت
مرحم در دلم هست - یا حسین جان ذکر نامت
صبح جمعه اشک ریزان - می کنم از دور سلامت
قسمتم کن اربعینی - قبر تو دربر بگیرم
یا حسین جان یا حسین جان (۲)
ای عزیز جان زهرا - ای گل باغ ولایت
سیل غم هایت مرا کشت - یا حسین جانم فدایت
دارم امید از تو مولا - خاک گردم در سرایت
عمری بودم نوکر تو - در ره عشقت اسیرم
یا حسین جان یا حسین جان (۲)

یا حسین دستم بگیری - بی پناهم بی پناهم
 این همه موج ضلالت - در ضلالت من تباهم
 عبد نافرمان الله - غرق در بحر گناهم
 بین (ریاضی) ذاکرت را - درد عصیان کرده پیرم
 ابراهیم ریاضی

محرم

محرم ماه خون ماه شهادت
 محرم ماه رفتن در اسارت
 محرم ماه در خون آرمیدن
 محرم سر به روی نیزه دیدن
 محرم اشک بر صورتها روات روان است
 ز سیلی نیلی روی کودکان است

محرم ماه بی دستی سقااست
 محرم ماه بی آبی گلهاست
 محرم قلب عالم داغدار است
 عزیز فاطمه با غم دچار است
 محرم عالمین در شور و شین است
 محرم ذکر عالم یا حسین است
 محرم اصغرش بی شیر گردد
 که خون پیروز بر شمشیر گردد
 محرم چون صفر در پیش دارد
 محرم محفل دلریش دارد
 محرم در کلاسش رمز و راز است
 محرم ماه احیاء نماز است
 محرم در کلاسش عشق بازیست

به موج خون فتادن سر فرازیست
مخوان شعر محرم ای (ریاضی)
مگو از نعل تازه اسپ تازی

غم عظمای

خون اگر گریه کند تربت تو نیست عجب
از غمت چشم همه عالمیان خون گریست
نه فقط آدمیان از غم نوحه کنند
عرش و فرش و قلم و لوح بیان خون گریست
غم عظمای تو بس که عظیم سنگین است
مادرت فاطمه با قد کمان خون گریست
ماهی در آب عزادار تو مرغان به هوا
جغد ویرانه نشین ناله کنان خون گریست
حجت ثانی عشر از غم تو خون به جگر

صاحب عصر و زمان مهدی دوران خون گریست
ای (ریاضی) ز کدامین غم او گویی تو
فاش برگو که همه خلق جهان خون گریست

رباعی

چه صحرای همه در جنب و جوش است
چه دریای که موجش در خروش است
مزن ای حرمله تیر جفا را
علیم از عطش دیگر خموش است
ابراهیم ریاضی

توسل به امام حسین (ع)

حسین حسین مولای من شهید بی غسل و کفن

آرام جان فاطمه تشنه لب خونین بدن
در لحظه‌های آخرم بیابنه من سری بزن
به سینه کبود من پلاک نوکری بزن
در لحظه‌ای ممات من برس به داد نوکرت
دستم بگیر مولای من تورابه جان مادرت
ابراهیم ریاضی

وداع زینب(س) با جسم برادر

الوداع ای جسم بی سر الودع
الوداع ای یار خواهر الوداع
الوداع ای شاه بی غسل و کفن
الوداع ای لاله‌ای خونین بدن
تو بخواب راحت کنون با اکبرت

می رود سوی اسیری خواهرت
گرچه داغت پشت من بشکسته است
گر از غم جسم و جانم خسته است
لیک یک غم دلکبابم کرده است
داغ طفلان تو آبم کرده است
هر طرف بینم گلی در شور و شین
ذکر لب‌هایش بود بابا حسین
زینبم من شمع سوزان زینبم
یا اخوا جانم رسیده بر لبم
غم چه سخت است هر کجا بهر گلی
مثل شمع سوزد کنارش بلبلای
ای حسین من شمع سوزان توام
من سپر از بهر طفلان توام

ای (ریاضی) گریه کن با شور و شین
گریه کن تو بر عزیزان حسین
ابراهیم ریاضی

من حسین را دوست دارم

زنده با نام حسینم تشنه‌ای جام حسینم
مثل مرغ پر شکسته بر لب بام حسینم
می‌زنم سنگش به سینه دردم این شور و شین است
تا که هستم بر لب من ذکر مولایم حسین است
تربت کربلایش می‌کنم مهر نمازم
گر حسین باشد امامم در دو عالم بی نیازم
گر به دوزخ افکنندم یا که در جنت برندم

هرکجا باشد شعارم من حسین را دوست دارم
ابراهیم ریاضی

نوحه شب ۱ محرم

بهار اشک و آه است
قد فلک خمیده
هلال ماه ماتم
در آسمان دمیده
حسین حسین حسین جان (۲)
صاحب زمان بگرید
در تزلزل زینیه
گوید که فصل غم ها

بر عمه اش رسیده
 حسین حسین حسین جان (۲)
 مهدی کنار مقتل
 تنه‌ا عزا گرفتـــه
 خون جان اشک گریـــد
 بر جد سر بریده
 حسین حسین حسین جان (۲)
 یارب چه شور و شین است
 فغان به عالمین است
 شیعه از این مصیبت
 شد قـــامتش خمیـــده
 حسین حسین حسین جان (۲)
 ای وای از این مصیبت

کز سنگ ناله خیزد
 آه و فغان عالم
 تا عرش حق رسیده
 حسین حسین حسین جان (۲)
 موج فـرات کجـا و
 چند قطره آب به اصغر
 دادند جواب باتیر
 این ظلم را که دیده
 حسین حسین حسین جان (۲)
 ابراهیم ریاضی

نوحه ۲ شب‌های محرم

فصل غم و شایون و شین آمده
ماه عزا بهر حسین آمده
عشق حسین شد همه‌ای حاصلم
بسته به زنجیر حسین شد دلم
شکر خدا که من حسینی شدم
جارو کش کوی ابوفاضلم
سینه زن و نوکر این خانه ام
سرخوش از این باده و پیمانه ام
شیر محبتی حسین خورده ام
تا به ابد عاشق و دیوانه ام
اهل سما از غم بی قرار

اهل زمین یکسره بر سر زنان
عرش خدا گشته عزادار او
نالہ کنند از غم او قدسیان
جن و ملک نوحه و زاری کنند
وحش و طیور از غم او در فغان
دشت و دمن کوه و جماد در عزا
از غم شاهنشہ ای لب تشنگان
ماه اسیری بنات الرسول
ماه عزاداری خون خداست
ماه کہ در دشت بلا از جفا
زادۀ زهرا سرش از تن جداست
ماه کہ از علقمہ بی دست و سر
ساقی لبی تشنه و پرپر شود

ماه که از نیزه و تیغ جفا
شبه رسول به خون شناور شود
ابراهیم ریاضی

نوحه ۳ شبهای محرم

حسین حسین یا حسین (۲)
سینه بزن سینه زن ماه محرم رسید
سینه بزن سینه زن موسم ماتم رسید
کربلا آمده سید و سالار عشق
خیمه ماتم زده پیر و جلودار عشق
کربلا نهضتش بری زهر ذلت است
درس کلاس حسین شرافت و عزت است

اسیری زینبش پیام آزادگیست
پیام حق باوری رها ز هر بردگیست
کربلا ای زمین محفل جانان تویی
محفل عشق حسین بر سر پیمان تویی
تو باغ گل‌های دین تو کوی عشق همه
در تو خزان می‌شود دسته گل فاطمه
کربلا ای زمین تربت عنبر سرشت
در تو خزان می‌شود لاله و یأس و بهشت
شور و نوا ای زمین در تو پیا می‌شود
معرکهٔ مقتل خون خدا می‌شود
ابراهیم ریاضی

نوحه ۴ حضرت مسلم

من مسلمم آواره در کوی حسینم
 من تشنه‌ام لب تشنه ای جون حسینم
 در شهر کوفه من بی پناهم
 دارالاماره شد قتلگاهم
 مولا حسین جان مولا حسین جان (۲)
 باشد ز بام کوفه بر مولا پیامم
 کوفی ندارد اعتباری ای امامم
 در شهر کوفه من بی پناهم
 دارالاماره شد قتلگاهم
 مولا حسین جان مولا حسین جان (۲)
 از ظلم کوفی جاری اشکم از دو عین است

آتش به قلبم بهر مولایم حسین است
 در شهر کوفه من بی پناهم
 دارالاماره شد قتلگاهم
 مولا حسین جان مولا حسین جان (۲)
 سنگم زدند از روی بام فرقم شکستند
 از طعنه و زخم زبان قلبم شکستند
 در شهر کوفه من بی پناهم
 دارالاماره شد قتلگاهم
 مولا حسین جان مولا حسین جان (۲)
 آیی اگر در کوفه طفلانت میاور
 مولای من با خود گلستانت میاور
 در شهر کوفه من بی پناهم
 دارالاماره شد قتلگاهم

مولا حسین جان مولا حسین جان (۲)
 کوفی زند بر طبل شادی با دل تنگ
 آماده بهر زینبت در دستشان سنگ
 در شهر کوفه من بی پناهم
 دارا لاماره شد قتلگاهم
 مولا حسین جان مولا حسین جان (۲)

زبان حال حضرت رقیه

الامان از بی کسی و غر بتم
 ز جر دون می زد مرا بر صورتم
 لطمه می زد بر تن و بازوی من
 چنگ می زد بی حیا بر موی من
 بین صحرا پای پر از آبله

مانده ام تنه‌ها و دور از قافله
ابراهیم ریاضی

نوحه ۵ حضرت رقیه(س)

آمده بابای من همدم شب‌های من
مسافری گم شده عمه به سر آمده
بیابین در برم عمه پدر آمده
آمده بابای من همدم شب‌های من
شد شب هجران سحر پدر رسید عمه جان
وصال من با پدر به سر رسید عمه جان
آمده بابای من همدم شب‌های من
چه ظالمی ای خدا بریده سر از تنش
نکرده رحمی به او به گریه ای دخترش

آمده بابای من همدم شب‌های من
خوش آمدی ای پدر به دیدن دخترت
تنت کجا مانده و که آمدی باسرت
آمده بابای من همدم شب‌های من
کجا رواست ای خدا که آورند در تعب
در بر طفل یتیم سر پدر نیمه شب
آمده بابای من همدم شب‌های من
بگفت بابا منم آن گل نیوفرت
گشته کبود بازویم چو بازوی مادرت
آمده بابای من همدم شب‌های من
بس که دویدم پدر پشت سر قافله
نمانده طاقت مرا نیست دیگر حوصله
آمده بابای من همدم شب‌های من

ابراهیم ریاضی

نوحه ۶ حر (رح)

من حر نالانم در آه و افغانم
 مولا حسین جانم مولا حسین جانم (۲)
 ای زاده زهرا حسین من حر نالانم
 بخشا گناهم سیدی اکنون پشیمانم
 مولا حسین جانم مولا حسین جانم (۲)
 کردم خطا راه تو را من یا حسین بستم
 قلب گلان خسته ات من از جفا خستم
 حسین حسین یا حسین (۲)
 حر را مران از درگهت جان علی اکبر
 بنما شها لطف کرم از جرم من بگذر

مولا حسین جانم مولا حسین جانم (۲)
 گر من خطا کارم حسین تو باب احسانی
 تو باب حاجات خدا دریای غفرانی
 مولا حسین جانم مولا حسین جانم (۲)
 بشکسته ام من قلب زینب خواهر زارت
 عفوم نمایا سیدی حق علمدارت
 مولا حسین جانم مولا حسین جانم (۲)
 لرزانده ام من قلب طفلان تو را مولا
 عفوم نما حق علی و حضرت زهرا
 مولا حسین جانم مولا حسین جانم (۲)
 مولای من از مرحمت بنما سرافرازم
 ده اذن میدان تا که جانم را فدا سازم
 مولا حسین جانم مولا حسین جانم (۲)

ابراهیم ریاضی

مدح و مصیبت حضرت زینب (س)

خون خدا اگر بود پادشاهای کشور عشق
سفیر این کشور عشق زینب کبری علیست
نور حسین جلوه گر است اگر ز ارض کربلا
ستاره ای شهر دمشق زینب کبرای علیست
جوهره ای تیغ بیان مثل پدر بر لب اوست
آتش جان اهرمن زینب کبرای علیست
بنازم آن اسیری که نکرده ترک نافله
پیام دین باوری از زینب کبرای علیست
صبر چنان خجل شد وقتی که دید صبر او
کوه صبور و باوقار زینب کبرای علیست

شرم و حیا و عفت از بتول ارث برده است
 گوهر عفت و حیا زینب کبرای علیست
 عقیلۀ آل علی نائبه‌ای فاطمه است
 مظهر ام و اب خود زینب کبرای علیست
 (ریاضی) بس کن این سخن حدیث زینبی بگو
 چهل حدیث اربعین زینب کبرای علیست
 ابراهیم ریاضی

نوحه ۷ طفلان زینب (س)

پروانه های شمع دشت کربلایم
 ما حافظان نهضت خون خدایم
 ما نوگلان زینبیم شمع ره این مکتبیم
 الله اکبر الله اکبر (۲)

ما طائر کوی حسین و کوی عشقیم
 لب تشنه ای جوی حسین و جوی عشقیم
 ما نوگلان زینبیم شمع ره این مکتبیم
 الله اکبر الله اکبر (۲)
 ما هدیه‌های مادریم از بهر دایی
 پرورده‌های زینبیم بهر فدایی
 ما نوگلان زینبیم شمع ره این مکتبیم
 الله اکبر الله اکبر (۲)
 ما سهم و داریم در دیار و کوی جانان
 جان می‌دهیم در راه حفظ دین و قرآن
 ما نوگلان زینبیم شمع ره این مکتبیم
 الله اکبر الله اکبر (۲)
 ما پور عبدالله و یاران حسینیم

آماده ای جانبازی و در شور و شینیم
 ما نوگلان زینبیم شمع ره این مکتبیم
 الله اکبر الله اکبر (۲)
 صد جان ما بادا فدای اکبر و اصغر
 قربانی راه حسینیم هدیه ای مادر
 ما نوگلان زینبیم شمع ره این مکتبیم
 الله اکبر الله اکبر (۲)
 ابراهیم ریاضی

نوحه ۸ حضرت قاسم (ع)

من قاسم نیکو لقایم ای عمو جان
 طفل یتیم مجتبیایم ای عمو جان
 جانم عمو جان جانم عمو جان (۲)

من وارث شیر جمل در نینوایم
 آماده‌ای جانبازی در دشت بلایم
 جانم عمو جان جانم عمو جان (۲)
 من مرد میدان جمل را یادگارم
 الموتُ مِنْ أَحَلَى عَسَلٍ باشد شعارم
 جانم عمو جان جانم عمو جان (۲)
 من از حدیث تیرباران بی شکیم
 من پور آن مولای بی یار و غریبم
 جانم عمو جان جانم عمو جان (۲)
 ده اذن جانبازی به قاسم ای عمو جان
 بنما سرافزارم شوم عازم به میدان
 جانم عمو جان جانم عمو جان (۲)
 من راضیم گردد تنم پامال مرکب

دیگر نبینم گریه‌های عمه زینب
 جانم عمو جان جانم عمو جان (۲)
 من ای عمو پایدگی دیگر نخواهم
 از بعد اکبر زندگی دیگر نخواهم
 جانم عمو جان جانم عمو جان (۲)
 از زندگی این جهان سیرم عمو جان
 واغربتایت کرده پیرم ای عمو جان
 جانم عمو جان جانم عمو جان (۲)
 ابراهیم ریاضی

نوحه ۹ علی اکبر (ع)

ای گل باغ حرم وای علی اکبرم
 یوسف دشت بلا اکبرم ای اکبرم

ماه شب کربلا اکبرم ای اکبرم
 وای علی اکبرم وای علی اکبرم
 زاده زهرا تویی لاله لیلا تویی
 ای گل باغ حسین همدم بابا تویی
 وای علی اکبرم وای علی اکبرم
 شبیه پیغمبری سلاله کوثری
 تو صاحب صولت و تو وارث حیدری
 وای علی اکبرم وای علی اکبرم
 باغ گل یاس من یاور عباس من
 امید اهل حرم تو اشجع الناس من
 وای علی اکبرم وای علی اکبرم
 می روی ای اکبرم روح و روانم تویی
 تازه جوانم علی تاب و توانم تویی

وای علی اکبرم وای علی اکبرم
لحظه‌ای آهسته تر صبر نما اکبرم
سیر بینند تو را تمام اهل حرم
وای علی اکبرم وای علی اکبرم
تو شاهدی ای خدا اکبر من می‌رود
شبه پیغمبرت از بر من می‌رود
وای علی اکبرم وای علی اکبرم
گرفتی از من فلک تو نوجوان مرا
گرفتی از چه ز من صبر و توان مرا
وای علی اکبرم وای علی اکبرم
کرده مرا خون جگر هلهله‌ای کوفیان
از غم داغت علی خم شده‌ام چون کمان
وای علی اکبرم وای علی اکبرم

قلب حسین از غمت چو ارباً اربا شده
خیز و بین ای علی باب تو تنها شده
وای علی اکبرم وای علی اکبرم
ابراهیم ریاضی

نوحه ۱۰ حضرت سکینه (س)

هستم سکینه دختر شاه شهیدان
مظلومه ای که دیده ام غم های دوران
بنت الحسین الحسینم در شور و شینم
آه و واویلا از ظلم اعدا
دیدم سر بابای مظلومم بریدند
دیدم تن پاکش به خاک و خون کشیدند
بنت الحسین الحسینم در شور و شینم

آه و واویلا از ظلم اعدا
 آواره‌ای شام غریبان بوده‌ام من
 هم ناله با آه یتیمان بوده‌ام من
 بنت الحسین الحسینم در شور و شینم
 آه و واویلا از ظلم اعدا
 صحرای سوزان و گلی پژمرده دیدم
 لب‌های عطشان و دل افسرده دیدم
 بنت الحسین الحسینم در شور و شینم
 آه و واویلا از ظلم اعدا
 من دیده‌ام غم‌های دشت کربلا را
 من دیده‌ام تا شام غم درد و بلا را
 بنت الحسین الحسینم در شور و شینم
 آه و واویلا از ظلم اعدا

دیدم که می زد ظالمی با تازیانه
بر عمه ای مظلومه ای من وحشیانه
بنت الحسین الحسینم در شور و شینم
آه و واویلا از ظلم اعدا
من دیده ام رخسارها که گشته نیلی
من دیده ام روی کبود و ضرب سیلی
بنت الحسین الحسینم در شور و شینم
آه و واویلا از ظلم اعدا
من دیده ام بر روی نی رأس پدر را
من دیده ام چوب یزید و طشت زر را
بنت الحسین الحسینم در شور و شینم
آه و واویلا از ظلم اعدا
وای از دمی که نیمه شب با آه و ناله

کنج خرابه جان سپرد طفل سه ساله
 بنت الحسین الحسینم در شور و شینم
 آه و واویلا از ظلم اعدا
 ابراهیم ریاضی

نوحه ۱۱ علی اصغر

ای شمع شبستانم لالای علی اصغر
 ای لاله بوسستانم لالای علی اصغر
 آرام دل بابا شش گل نازم
 با خون گلوی خود کردی تو سرافرازم
 لالای علی اصغر لالای علی اصغر
 سیراب شدی آخر از تیر جفا بابا
 تو پر زدی و رفتی ای بلبل مه سیما

لالای علی اصغر لالای علی اصغر
 ای طفل کفن پوشم آرام بخواب اصغر
 ای بلبل خاموشم آرام بخواب اصغر
 لالای علی اصغر لالای علی اصغر
 ای نو ثمری بابا ای غنچه خندانم
 از داغ غمت بابا کردی تو پریشانم
 لالای علی اصغر لالای علی اصغر
 گشتم ز غم تو پیر ای طفلک بی شیرم
 زین ماتم عظمًا من دیگر ز جهان سیرم
 لالای علی اصغر لالای علی اصغر
 در محفل حق جویان تو شمع شبستانی
 کودک نه‌ای تو اصغر استاد دبستانی
 لالای علی اصغر لالای علی اصغر

ای کودک جانبازم بال و پر بابایی
در پیش روی این قوم تولشکر بابایی
لالای علی اصغر لالای علی اصغر
ابراهیم ریاضی

نوحه ۱۲ حضرت عباس(ع)

دست علمدار حسین از تن جدا شد
افغان و ماتم زین جفا در خیمه ها شد
آه و واویلا شد کشته عباس
مرگ عمو شد در خیمه احساس
آه و واویلا آه و واویلا
دشت بلا را زین مصیبت غم گرفته
طفالن میان خیمه ها ماتم گرفته

آه و واویلا شد کشته عباس
مرگ عمو شد در خیمه احساس
آه و واویلا آه و واویلا
فرزند زهرا بی برادر گشته امروز
عباس او در خون شناور گشته امروز
آه و واویلا شد کشته عباس
مرگ عمو شد در خیمه احساس
آه و واویلا آه و واویلا
لب تشنه‌ها چشم انتظار او نشسته
داغ برادر پشت مولا را شکسته
آه و واویلا شد کشته عباس
مرگ عمو شد در خیمه احساس
آه و واویلا آه و واویلا

آه ای خدا مولای ما امروز غریب است
 ذکر لب طفلان او امن یجب است
 آه و واویلا شد کشته عباس
 مرگ عمو شد در خیمه احساس
 آه و واویلا آه و واویلا
 ای علقمه تو شرم کن از روی عباس
 آتش زدی بر قلب گلزار گل یأس
 آه و واویلا شد کشته عباس
 مرگ عمو شد در خیمه احساس
 آه و واویلا آه و واویلا
 ابراهیم ریاضی

رباعی

آب فرات موج نزن اصغر من تشنه است
 طاقت ندارد کودکم این گونه در تاب و تب است
 آتش زده تلظیش بر دل داغدار من
 کرده کباب قلب مرا طفلک شیر خوار من
 ابراهیم ریاضی

زبان حال امام حسین با شمر ملعون

بی حیا آتش به قلب من مزین
 بعد من سیلی به طفلانم مزین
 گر که می بینی تو بر تاب و تبم
 اندر این حالت به فکر زینم
 بعد من تنها و بی یاور شود

او اسیری فرقه ای کافر شود
ابراهیم ریاضی

نوحه ۱۳ شب عاشورا

کربلا غوغاست امشب واحسینا واحسینا
ماتم عظماست امشب واحسینا واحسینا
کربلا امشب شب قتل حسین است
کربلا امشب فغان و شور و شین است
وا حسینا واحسینا (۲)
کربلا امشب شب راز و نیاز است
امشب اصحاب حسین گرم نماز است
وا حسینا واحسینا (۲)
کودکان امشب همه در گرد باباست

ظهر فردا جمعیان در فکر باباست
 و احسینا و احسینا (۲)
 امشب اکبر در کنار خواهران است
 ظهر فردا پیکرش در خون طیان است
 و احسینا و احسینا (۲)
 پاسبان خیمه‌ها عباس باشد
 شیر مرد کربلا حساس باشد
 و احسینا و احسینا (۲)
 اصغر آید ناله‌اش در گوش بابا
 ظهر فرداست قتلگاهش دوش بابا
 و احسینا و احسینا (۲)
 امشب است مولای ما مهمان خواهر
 می‌شود فردا شهید جانان خواهر

وا حسـینا وا حسـینا (۲)
ای خدا از ظلم جور اهل کینه
ظهر فردا بی پدر گردد سکینه
وا حسـینا وا حسـینا (۲)
ابراهیم ریاضی

نوحه ۱۴ روز عاشورا

غو غا شده در کربلا آه و واویلا
زینب شده بی اقربا آه و واویلا
ای کشته صد پاره تن آیا تویی حسینم
ای پیکر خونین بدن آیا تویی حسینم
واویلتا واویلتا آه و واویلا
اگر حسین من تویی عباس و اکبرت کو

اگر حسین من تویی بر گوبه من سرت کو
 واویلتا واویلتا آه و واویلا
 من خواهر زار تو ام ای یار و یاور من
 زخم تنت از حد فزون باشد برادر من
 واویلتا واویلتا آه و واویلا
 برخیز و ای برادرم زینب غریب و تنهاست
 عازم به سوی شام غم اسیر کوه غم هاست
 واویلتا واویلتا آه و واویلا
 برخیز و بین بر اهل بیت زار و نالانت
 برخیز و بین بر اشک چشم نونها لانت
 واویلتا واویلتا آه و واویلا
 بودی مرا تو هم سفر از من خبر نداری
 با من مگر حسین من عزم سفر نداری

واویلتا واویلتا آه و واویلا
 بر خیز و بین من می روم از نینوای تو
 هستم سفیر نهضت و کربلای تو
 واویلتا واویلتا آه و واویلا
 ابراهیم ریاضی

نوحه ۱۵ شام غریبان

يابن الحسن يابن الحسن (۲)
 يابن الحسن آقا بيا ← کربلا غوغا شده
 امشب یتیمان حسین ← آواره در صحرا شده
 دلها ز غم افروخته ← دامان طفلی سوخته
 چشمی به سوی عمه و ← چشمی به مقتل دوخته

یکسو یتیمی گم شده زینب زغم دلخون شده
یگسو یتیمی از جفا ماه رخس گلگون شده
یکسو کنار قتلگاه با ناله و با شور و شین
ذکر لب زهرا بود غریب مادر یا حسین
آن سو صدای خنده ها تا آسمان ها می رود
این سو صدای ناله ها تا عرش اعلا می رود
آن سو برای جایزه نامردی در فکر و خیال
این سو پرستوی زند از ترس و وحشت بال بال
افلاکیان دارند فغان ارض و سما در شور و شین
زینب بود بر سر زنان بر جسم عریان حسین
ابراهیم ریاضی

زبان حال زینب

گل پژمرده ز آزار خس و خار منم
شاهد ناله‌ای بین در و دیوار منم
مادرم نقش زمین شد به پیش نظرم
غصه دار از ستم قوم جفاکار منم
دیده‌ام بسته به زنجیر ستم دست پدر
وارث سلسله و آه شرر بار منم
ابراهیم ریاضی

مرثه شام غریبان

بزن بر سینه و بر سر شب شام غریبان است
ز بهر آل پیغمبر فلک در آه و افغان است

بیا یابن الحسن مولا شب شام غریبان است
 زمین کربلا امشب فغانش تا به کیوان است
 یتیمان حسین امشب همه آواره صحراست
 یتیمی گم شده امشب لبانش ذکر یازهراست
 به زیر بوته‌ای خاری یتیمی در دل صحرا
 لبانش تشنه جان داده امان از ظلم این دنیا
 چه غوغای پیا کرده فلک در کربلا امشب
 کنار قتلگاه آید صدای ناله ای زینب
 ابراهیم ریاضی

مرثه شام غریبان

مهـدی زهـرا کجـایی
 کـربلا در شـور و غوغا سـت

شام عاشورا رسیده
زینب مظلومه تنهاست
فاطمه آید به مقتل
اشک ریزان سینه خسته
گوید ای غریب مادر
مادر پهلوشکسته
دشت و صحرا لاله گون است
کربلا دریای خون است
کودکی از ضرب سیلی
روی ماهش نیلی گون است
کودکی میان صحرا
گم شده زار و پریشان
می زند دو دست بر سر

هی میگه عمو عمو جان
 خیمه ها آتشش گرفته
 دود و آتشش رفته بالا
 میان این همه غم ها
 چه سازد زینب کبرا
 بدن جد غریبت
 مانده عریان در بیابان
 هر طرف گلی فتاده
 پرپر از خنجر اعدا

نوحه ۱۶ اربعین

من زینبم من زینبم جانم رسیده بر لبم
 من ای مدینه زینبم جانم رسیده بر لبم

شد کوه غم‌ها حاصلم از بی‌کسی خونین دلم
گرکه تو می‌بینی مرا افسرده و قد کمان
من دیده‌ام در کربلا داغ علمدار جوان
یادش بخیر شهر رسول من سایه بر سر داشتم
بودی حسینم در برم عباس و اکبر داشتم
من با برادر رفته‌ام من بی‌برادر آمدم
کشتند عباس مرا بی‌یار و یاور آمدم
داغ جوانان دیدم اشک یتیمان دیده‌ام
من رفته‌ام شام بلا غم‌های دوران دیده‌ام
یهودی‌های اهل شام سنگم زدند از روی بام
کردند خارجی خطاب ما را به جمع خاص و عام

آتش مزدن بر اهل دل بس کنی (ریاضی) این سخن
دیگر مگو از زینب و از آن همه درد و محن
ابراهیم ریاضی

نوحه ۱۷ اربعین

جانم حسین جانم حسین جانم حسین جان (۲)
یک اربعین غم دیده و قامت خمیده
در کربلا زینب ز شام غم رسیده
زینب رسیده قامت خمیده (۲)
آمد کنار قبر خاکی برادر
زد ناله و گفتا عزیز و جان خواهر
زینب رسیده قامت خمیده (۲)
گفتار برادر خواهر تو زینبم من

برگشته‌ام بنگر که در تاب و تبم من
 زینب رسیده قامت خمیده (۲)
 با کوله بار آه و غم برگشته زینب
 با محنت و درد و الم برگشته زینب
 زینب رسیده قامت خمیده (۲)
 اینجا همه اطفال تو افسرده گشتند
 گل‌های تو از تشنگی پژمرده گشتند
 زینب رسیده قامت خمیده (۲)
 گودال خونین ای حسین یادم نرفته
 بر سینه‌ات شمر لعین یادم نرفته
 زینب رسیده قامت خمیده (۲)
 شام غریبان ای حسین یادم نرفته
 اشک یتیمان ای حسین یادم نرفته

زینب رسیده قامت خمیده (۲)
 یادم نرفته قتلگاه و آه وزاری
 یادم نرفته لحظه ای اشتر سواری
 زینب رسیده قامت خمیده (۲)
 دیدم همین جا ظالمی را وحشیانه
 می زد سسکینه دخترت را تازیانه
 زینب رسیده قامت خمیده (۲)
 از کربلا تا شام غم درد و بلا بود
 در پیش چشمانم سرت بر نیزه ها بود
 زینب رسیده قامت خمیده (۲)
 هرگز نمی شد باورم محزون و خسته
 باشم اسیر شامیان با دست بسته
 زینب رسیده قامت خمیده (۲)

ما را زدند در شام عدویت ظالمانه
 گشته کبود بازوی من از تازیانه
 زینب رسیده قامت خمیده (۲)
 در این سفر من ای حسینم پیر گشتم
 قدم خمید از زندگی من سیر گشتم
 زینب رسیده قامت خمیده (۲)
 بودی تا با سر رهبر من ای امام
 من فاتح کوه غم و بازار شام
 زینب رسیده قامت خمیده (۲)
 افسرده گشتم از غم آلاله تو
 کشته مرا داغ غم سه ساله تو
 زینب رسیده قامت خمیده (۲)
 چوب یزید و طشت زر را دیده ام من

آه یتیم و اشک سر را دیده‌ام من
 زینب رسیده قامت خمیده (۲)
 هستم (ریاضی) ذاکر کوی حسینم
 در اربعین یاد غمش در شور و شینم
 زینب رسیده قامت خمیده (۲)
 ابراهیم ریاضی

نوحه ۱۸ حضرت زینب

گل باغ و بوستان حیدر منم
 عزیز دل و جان مادر منم
 منم زینبم که جان بر لبم
 ز درد و بلا به تاب و تبم
 همه عمر من شام غم بوده است
 که همدم مرا درد و غم بوده است

منم زینبم که جان بر لبم
 ز درد و بلا به تاب و تبم
 غم داغ بابا مرا پیر کرد
 مرا پیر کرد و زمینگیر کرد
 منم زینبم که جان بر لبم
 ز درد و بلا به تاب و تبم
 مرا گرچه جانم ز غم بر لب است
 ز داغ حسن خون دل زینب است
 منم زینبم که جان بر لبم
 ز درد و بلا به تاب و تبم
 حسین را به دشت بلا یاورم
 غمش را به جان دلم می خرم
 منم زینبم که جان بر لبم

ز درد و بلا به تاب و تبم
 منم شاهد نینوای حسین
 منم حافظ کربلای حسین
 منم زینبم که جان بر لبم
 ز درد و بلا به تاب و تبم
 اگر چه ز درد و بلا خسته‌ام
 ولکین در جهل و بسته‌ام
 منم زینبم که جان بر لبم
 ز درد و بلا به تاب و تبم
 به ظاهر اسیر بلا بوده‌ام
 ولی راوی کربلا بوده‌ام
 منم زینبم که جان بر لبم
 ز درد و بلا به تاب و تبم

روایت نمودم ز مولای دین
 که حکم نماز است سودای دین
 منم زینبم که جان بر لبم
 ز درد و بلا به تاب و تبم
 رها از جهالت پیامم بود
 که حکم خدا و امامم بود
 منم زینبم که جان بر لبم
 ز درد و بلا به تاب و تبم
 منم فاتح شهر شام بلا
 که رسوا نمودم یزید دغا
 منم زینبم که جان بر لبم
 ز درد و بلا به تاب و تبم
 ابراهیم ریاضی

خدایا چنان کن سرانجام کار
که تو خشنود باشی و ما رستگار

خادم الذاکرین ابراهیم ریاضی

۱۴۰۲/۲/۲۸

۰۹۱۰۹۹۷۳۶۴۱

- بخش اول دفتر اشک ماتم ۶
- نوحه رحلت پیامبر اکرم (ص) ۸
- مناجات با خدا در شب شهادت حضرت
- علی (ع) ۱۲
- در مدح حضرت علی (ع) ۱۴
- در مدح حضرت علی ۱۸
- در مصیبت حضرت علی ۲۲
- نوحه شهادت حضرت علی (ع) ۲۴
- در مدح و مصیبت حضرت زهرا (س) ۲۷
- (ایام فاطمیه) ۳۰
- رباعی ۳۲

- زبان حال حضرت علی در مصیبت زهرا(س) ۳۳
- روز محشر و حضرت زهرا(س) ۳۴
- متن حدیث پیامبر(ص) ۳۷
- نوحه حضرت زهرا(س) ۳۸
- زبان حال حضرت علی کنار قبر زهرا(س) ۴۱
- در مصیبت امام حسن مجتبی(ع) ۴۲
- نوحه امام حسن مجتبی(ع) ۴۳
- مدینه شهر رسول ۴۵
- زبان حال امام حسن(ع) ۴۶
- توسل به امام حسین(ع) ۴۷

- مرثیه و نوحهٔ امام سجاد(ع)..... ۴۸
- نوحهٔ امام سجاد(ع) ۵۰
- مرثیه نوحهٔ امام باقر(ع)..... ۵۳
- نوحهٔ امام باقر(ع)..... ۵۵
- مرثیه نوحهٔ امام صادق(ع) ۵۹
- نوحهٔ امام صادق(ع)..... ۶۱
- نوحهٔ امام صادق(ع)..... ۶۶
- مرثیه و نوحهٔ امام کاظم(ع)..... ۶۷
- نوحهٔ امام کاظم(ع)..... ۶۹
- مرثیه و نوحهٔ امام رضا(ع)..... ۷۱
- نوحهٔ امام رضا(ع)..... ۷۴

- مرثیه و نوحه در مصیبت امام جواد(ع)..... ۷۷
- نوحه امام جواد(ع)..... ۷۹
- مرثیه و نوحه امام هادی(ع)..... ۸۱
- نوحه امام هادی(ع)..... ۸۳
- مرثیه امام حسن عسکری(ع)..... ۸۷
- نوحه امام حسن عسکری(ع)..... ۸۷
- توسل به امام زمان(ع)..... ۹۰
- قائم آل علی..... ۹۲
- مهدی موعود ما..... ۹۴
- مصلح عالم..... ۹۵
- الا ای شیعیان..... ۹۶

۹۸.....جمعه رسید

۱۰۰.....بخش دوم دفتر اشک ماتم

۱۰۲.....گدای کوی تو

۱۰۳.....اولین اسم

۱۰۴.....شکر حق

۱۰۵.....همه دار و ندار من

۱۰۷.....در مسیر اربعین

۱۰۸.....توسل به امام حسین(ع)

۱۱۰.....محرم

۱۱۲.....غم عظمی

۱۱۳.....رباعی

- توسل به امام حسین (ع)..... ۱۱۳
- وداع زینب (س) با جسم برادر..... ۱۱۴
- من حسین را دوست دارم..... ۱۱۶
- نوحه شب ۱ محرم..... ۱۱۷
- نوحه ۲ شبهای محرم..... ۱۲۰
- نوحه ۳ شبهای محرم..... ۱۲۲
- نوحه ۴ حضرت مسلم..... ۱۲۴
- زبان حال حضرت رقیه..... ۱۲۶
- نوحه ۵ حضرت رقیه (س)..... ۱۲۷
- نوحه ۶ حر (رح)..... ۱۲۹
- مدح و مصیبت حضرت زینب (س)..... ۱۳۱

- نوحه ۷ طفلان زینب (س)..... ۱۳۲
- نوحه ۸ حضرت قاسم (ع)..... ۱۳۴
- نوحه ۹ علی اکبر (ع)..... ۱۳۶
- نوحه ۱۰ حضرت سکینه (س)..... ۱۳۹
- نوحه ۱۱ علی اصغر..... ۱۴۲
- نوحه ۱۲ حضرت عباس (ع)..... ۱۴۴
- رباعی..... ۱۴۷
- زبان حال امام حسین با شمر ملعون..... ۱۴۷
- نوحه ۱۳ شب عاشورا..... ۱۴۸
- نوحه ۱۴ روز عاشورا..... ۱۵۰
- نوحه ۱۵ شام غریبان..... ۱۵۲

زبان حال زینب ۱۵۴

مرثه شام غریبان ۱۵۴

مرثه شام غریبان ۱۵۵

نوحه ۱۶ اربعین ۱۵۷

نوحه ۱۷ اربعین ۱۵۹

نوحه ۱۸ حضرت زینب ۱۶۳